

## خواندنی هایی از مراسم ازدواج آرامنه و زرتشتیان در دوره قاجار

۶ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۴۳

مصطفی لعل شاطری: بر پایی مراسم ازدواج همواره یکی از با شور و نشاط ترین مراسم اجتماعی در تاریخ ایران بوده؛ چنانچه این امر در دوره ی قاجار نیز با حرارتی خاص و البته آداب و رسومی منحصر به فرد برگزار می شده است.

از این رو مادام کارلا سرنا در سفرنامه خود درباره ی مراسم ازدواج آرامنه می نویسد: «ارمنیان علی رغم گرایش به پروتستانیسم آداب و رسوم ملی خود را حفظ کرده و کسی که می خواهد با دختر جوانی ازدواج کند مقداری پول به عنوان شیربها به مادر و پدر دختر می دهد. دختران ارمنی گاهی در دوازده سالگی ازدواج می کنند و آنگاه در یک انزوای کامل و تحت سلطه مادرشوهر خویش روزگار می گذرانند. در اولین ماه های ازدواج عروس جوان اگر هم در دید و بازدیدهای خانوادگی حضور داشته باشد، نمی تواند در صحبت دیگران شرکت کند. هیچ مرد بیگانه ای نباید با وی ملاقات کند.»

خانم کولیور رایس به نقل از خانمی انگلیسی که در یک مجلس عروسی زرتشتیان در زمان احمدشاه حضور داشته می نویسد: «در برخی از مراسم عمومی یک پارسی شرکت کردم. عروسی یکی از دختر مدرسه ای بود. دختری پانزده ساله و بسیار زیبا بود. میهمانان ساعت یک آمده بودند و بعدازظهر به صحبت، دف زدن و چای و شیرینی خوردن سپری گشته بود. تا آن که در ساعت پنج بعدازظهر نزدیکان و بعضی از صمیمی ترین دوستان داماد با چهار خنچه وارد شدند. یکی پر از سیب، گلابی و انار برای بستگان مرد عروس، یکی مملو نان و نوعی شیرینی که یزد به داشتن آن معروف است یعنی پشمک، سومین خنچه شامل لباس عروس که داماد تهیه کرده بود و چهارمین آن ها پر از کله قندهایی بود که برای عروس و اعضای خانواده اش آورده بودند.

نان و شیرینی را به میهمانان تعارف کردند و زمانی که کار آن مردان پایان یافت، عروس آرایش شد و شلواری گشاد به پا و پیراهنی بلند از ابریشم سبز و زرد به تن و گونه ای کت بلند طلایی رنگ به بر و شال ابریشمی سبزی به سر کرد که قسمت پیشانی آن تا حد زیادی مزین به زر و از آن سکه های طلا آویخته بود. علاوه بر آن، عروس النگوهای نقره، حلقه طلای زمرد نشان و تعویذ بسیار زیبایی به اندازه یک نعلبکی با نقوش برجسته از نشانه های زردشتی یعنی آتش مقدس و صحنه های گوناگون زندگانی زردشت که به همراه دو تعویذ انفیه دان مانند و محتوی دعاهای زرتشتی از زنجیره ی نقره ای آویزان بود.

در این هنگام تمام دوستان به نوبت به عروس تبریک گفتند و شاخه کوچکی از مورد سبز و انار (به نشانه زندگی و باروری و داشتن فرزند) به او دادند. آنگاه دایره زدن آغاز شد تا ساعت ۵ / ۸ شب. تا آنکه کوبه در به شدت به صدا درآمد و به دنبال برقراری

سکوت همه با داد و فریاد به دنبال چادر می گشتند زیرا نزدیکترین فرد و دوستان داماد آمده بودند از عروس بپرسند حاضر به ازدواج با داماد هست یا خیر؟

شال ابریشمی سبز را بر سر عروس انداختند. مردان به سوی او پیش آمدند و نزدیکترین آنان به داماد با صدایی رسا پرسید: دوشیزه گوهر فرزند شیرین و خداپرست آیا حاضر به ازدواج با مهربان هستید؟ عروس پاسخی نداد. سؤال کننده رو به دوستانش کرد و گفت جواب ندارد؟ که بلافاصله هلهله و فریاد برخاست تا به اصطلاح او را بیدار کنند. یازده مرتبه این کار تکرار شد و هر بار بلندتر از دفعه پیش تا آنکه عروس بله گفت و این پاسخ نشانه ای بود برای فریادهای شادی و با شتاب به سوی داماد رفتن و به او خوش خبری دادن.

لحظه ای بعد پدر عروس از یکی از اتاق های درونی با بقچه ای بزرگ و محتوی لباس های اهدایی به داماد داخل شد. بار دیگر برای وقت گذرانی، دف آوردند و حدود یک ساعت بعد داماد وارد شد و با چای از او و دوستانش و آنگاه از عروس و سایر زنان پذیرایی به عمل آمد. در این هنگام پشت سر جهیزیه عروس و چراغ ها و دف حرکت دسته جمعی به سوی خانه داماد آغاز شد. هر چند لحظه یک بار، عروس می ایستاد و می گفت: اگر پانداز مرا ندهی پیشتر نخواهم رفت. هر بار پس از بحث زیاد، داماد به او پول می داد، پولی که بعد صرف خرید لوازم و ظروف پخت و پز مورد نیاز می شد. در خانه داماد موبدی با آتشدانی مملو از آتش چوب مقدس صندل در انتظار بود که همه جمعیت سه بار گرد او چرخیدند. خواهر عروس و خواهر داماد حجاب از چهره او برگرفتند. بعد جوراب های پای راست عروس و داماد را بیرون آوردند و پاهایشان را کنار یکدیگر قرار دادند. مقداری آب آورده شد و داماد نخست به ترتیب پای خود و پای عروس، دست راست خود و عروس و سرانجام صورت خود و عروس را شست. لیوان بزرگی شربت آوردند که داماد جرعه ای از آن را نوشید و عروس بقیه آن را سرکشید. در این هنگام، داماد دستمال ابریشمی سیاه بزرگی با حاشیه های رنگی بیرون آورد تا صورت و دست و پاهای خود را خشک کند. در اینجا همه شرکت کنندگان در مراسم با گفتن چشمتان روشن، امیدواریم صد و بیست سال زنده باشید آن زوج را ترک کردند تا به شادی و خوشی، زندگی مشترک خود را آغاز کنند.»

منابع:

۱- کارلاسرنا، سفرنامه، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ۱۳۶۲.

۲- میترا مهرآبادی، زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، تهران: آفرینش، ۱۳۷۹.

\*بنفشه حجازی، تاریخ خانمها، تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۸.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/30471/قاجار-دوره-زرتشتيان-ارامنه-ازدواج-مراسم-هايي-خواندني/>